

اضطراب داشتم. با ماشین رفتم و می‌خواستم حادثه را رد کنم. چراغ زدم. بوق زدم به حرکت ادامه دادم؛ پام روی گاز بود. ما انسان هستیم، حیوان نیستیم. عمداً روی آنها نرفتم. وجدانم راحت است.

ما را ز سر بریده می‌ترسانی؟



به گزارش اسپادانا خبر، سومین جلسه رسیدگی به پرونده عامل شهادت سه نفر از ماموران نیروی انتظامی در حادثه خیابان پاسداران به ریاست قاضی کشکولی، در شعبه نهم دادگاه کیفری شماره یک استان تهران آغاز شد.

در ابتدای این جلسه که به ریاست قاضی کشکولی رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، قاضی کشکولی ضمن تذکر به رعایت نظم و احترام دادگاه از نماینده حقوقی ناجا خواست در جایگاه حاضر شده و در مورد پرونده اگر موضوعی دارند بیان کند.

نماینده حقوقی ناجا پس از کسب اجازه از ریاست دادگاه در جایگاه حاضر شده و گفت: متهم که در حین جرم دستگیر شده است خود را متعلق به یک گروه خاص معرفی کرده است.

وی بیان کرد: در طول مدت حادثه، رعایت اخلاق اسلامی جزو رفتارهای ماموران ناجا بوده در صورتی که شورشیان از رفتار خود دست نکشیده اند و نهایتاً رفتارشان منجر به این جنایت شد.

فلاح زاده بیان کرد: متهم حادثه و همدستانش باید بدانند که اقدام آنها منجر به شهادت 4 جوان برومند و مجروح شدن بیش از ده نفر از ماموران و وارد شدن خسارت بسیاری به اموال مردم و سلب آسایش عمومی شده است.

وی در پایان اظهارات خود از قاضی کشکولی درخواست کرد که باتوجه به اینکه چندین شاهد حادثه در جلسه هستند به جایگاه بیایند و مشاهدات خود را بیان کنند.

در ادامه قاضی کشکولی خطاب به شاهدین از آنها خواست به ترتیب در جایگاه حاضر شده و آنچه را که در آن حادثه مشاهده کرده اند بیان کنند.

سپس احدی از شاهدین حادثه در جایگاه حاضر و در بیان مشاهدات خود، گفت: زمانی که ما به خیابان رسیدیم، هنوز حتی از موتورهای خود پیاده هم نشده بودیم آنها به سمت ما کوکتل مولوتوف پرتاب می‌کردند اما با این حال به دستور داده شده بود که اصلاً حق برخورد را ندارید و نباید به مردم و اموالشان آسیبی برسد.

وی بیان کرد: ما زمانی که به خیابان هفتم رسیدیم، دیدم که یک اتوبوس با سرعت کمی در حال حرکت به سمت ما است که فکر کردیم می‌خواهد از خیابان عبور کند؛ اما پس از اینکه مدتی از حرکتش گذشت، به یکباره سرعت خود را زیاد کرد و با حرکت به سمت چپ و راست به ماموران به نوعی حمله ور شد.

این شاهد حادثه ادامه داد: من در آنجا دیدم که شهید امامی در حال کمک به مردم بود و آنها را به سمت پیاده رو هدایت می‌کرد و می‌گفت: "به سمت پیاده رو بروید." اما اتوبوس با او برخورد کرد و پس از آن دوباره اتوبوس منحرف شده و از روی شهید بایرامی عبور کرد که البته در آنجا باز هم دیدم که شهید بایرامی در حال فریاد زدن بود و به مردم می‌گفت فرار کنید.

وی گفت: نهایتاً این اتوبوس به خاطر ترافیک و شلوغی خیابان و حضور ماشین های داخل خیابان از حرکت ایستاد. اما من در آن لحظه چون از کمر و دیگر جاها آسیب دیده بودم نتوانستم اتوبوس را تا انتها دنبال کنم.

قاضی کشکولی از شاهد پرسید در گزارشات آمده که در اتوبوس جای گلوله مشاهده شده است.

شاهد گفت: ما اصلاً اسلحه و سلاح گرم به همراه نداشتیم.

قاضی پرسید: خود شما متهم را در اتوبوس دیدید؟

شاهد گفت: بله من او را در پشت فرمان زمانی که داشت از جلوی ما با سرعت کم عبور می کرد، دیدم.

پس از اظهارات شاهد اول یکی دیگر از شهود حادثه به دستور قاضی در جایگاه حاضر شده و با معرفی خود اظهار کرد: ما ماموریت داشتیم که به سمت کلانتری 102 پاسداران حرکت کنیم. به محض پیاده شدن از موتورهای دیدیم که آشوبگران خیابان را بسته اند و به ما دستور داده شد که آنها را متفرق کنیم که سپس آنها فرار کردند و به خیابان هفتم رفتند. جزو اولین کسانی بودم که وارد این خیابان شدم.

وی تصریح کرد: در آنجا من یک اتوبوس را دیدم که به آرامی در حال حرکت بود که فکر کردم اتوبوس همکاران است که می خواهد مامور پیاده کند. با این حال اجازه دادم که از کنارمان بگذرد؛ اما پس از عبور از ما به یکباره سرعت خود را زیاد کرد و به سمت ماموران تهاجم داشت.

این شاهد عینی ماجرا گفت: در آنجا من دیدم که شهید امامی بین اتوبوس و یک ماشین گیر افتاد و اتوبوس از روی او عبور کرد و سپس به سمت راست رفته و شهید بایرامی را هم به شهادت رساند.

قاضی کشکولی از این شاهد پرسید: فاصله بین این مقتولین چند نفر بود؟ که شاهد در پاسخ گفت: تقریباً حدود 2 تا 3 متر با هم فاصله داشتند.

قاضی کشکولی گفت: آیا شما دیدید که به اتوبوس شلیکی شده باشد؟ که وی پاسخ داد: خیر من ندیدم چون ما اسلحه نداشتیم و حتی سپر هم برای دفاع از خود نداشتیم.

قاضی کشکولی از شاهد پرسید: شما دیدید که این متهم از اتوبوس پیاده شود؟

شاهد گفت: من چون پس از این حادثه بالای سر مقتولین رفتم، جلو نبودم که ببینم چه کسی از اتوبوس پیاده شد اما زمانی که اتوبوس از جلوی من عبور می کرد متهم را در پشت فرمان اتوبوس دیده بودم.

وی گفت: البته گفتند که همکاران یک گاز اشک آور به سمت اتوبوس شلیک کرده اند تا بتواند اتوبوس را متوقف کنند و اگر ماشین های پارک شده در داخل خیابان نبود ممکن بود اتوبوس افراد بیشتری را زیر بگیرد و به افراد بیشتری آسیب برساند.

قاضی محمدی کشکولی پس از تفهیم اتهامات مباشرت در سه فقره قتل عمدی و اخلاف در نظم و آسایش عمومی از طریق جنجال و حرکات غیرمتعارف و تعرض به ماموران نیروی انتظامی به متهم پرونده از او خواست که در جایگاه قرار گیرد و به دفاع از خود بپردازد.

متهم «م.ث» با حضور در جایگاه گفت: برای بازماندگان صبر و برای خودم از خداوند بخشش می خواهم. این حرفها را نمی زنم که مرا اعدام نکنید بلکه باید بگویم من عاشق اعدام. من مدام از بازپرس می پرسم که چه زمانی مرا اعدام می کنید، ما را ز سر بریده می ترسانی.

وی ادامه داد: من نرفتم که آدم بکشم، بلکه تعصب مولایمان را داشتم؛ من عمداً کسی را نکشتم.

قاضی خطاب به متهم پرونده گفت: چرا دوست داری اعدام شوی؟

متهم در پاسخ مدعی شد: من اتوبوس را برداشتم و به درب پاسگاه بردم، اتوبوس خالی را حرکت دادم ولی آنها می آمدند که مرا بزنند، من گفتم ما نیامدیم که با شما بجنگیم.

قاضی خطاب به متهم گفت: در جلسات قبلی گفتی که بعد از کتک زدن عصبانی شده بودی و این بار چیز دیگری می گویی.

متهم پاسخ داد: دوست داشتم موضوع تمام شود و مرا اعدام کنند، دوست ندارم به جامعه برگردم.

قاضی محمدی کشکولی از متهم پرسید آیا اتهامات را قبول دارید؟

«م.ث» پاسخ داد: خیر، من از دوستداران فقرایم. من جنب کلانتری پاسداران برای دفاع از برادر دینی ام ایستاده بودم تا وی را

آزاد کنند. اتوبوس محل خواب من بود، من مالک اتوبوس را نمی‌شناسم، صندلی‌های اتوبوس را در آورده بودم و قرار بود فردا صندلی‌ها را ببندم. بعد از اینکه از پراید پیاده شدم سوار اتوبوس شدم تا به سمت پاسگاه بروم. اول آرام حرکت کردم تا نیروی انتظامی کنار بکشد و فیلم آن هم موجود است که من چراغ زدم. اگر می‌خواستم به کسی بزنم چرا باید چراغ بزنم. من در پاسگاه هم گفتم عمداً این کار را نکردم.

متهم گفت: من شکایت از نیروی انتظامی را پیش کی باید ببرم؟ روز حادثه اراده‌ام دست خودم نبود و اضطراب داشتم که آنها می‌خواهند حمله کنند. من پایم را روی گاز گرفتم تا رد کنم، افراد را ندیدم.

متهم گفت: من سه نفر را ندیدم ولی وقتی شما می‌گویید آن را قبول دارم. کسی هم به غیر از من پشت فرمان اتوبوس نبود. وقتی که برخورد کردم پایم روی گاز بود و با گاز روی ماشین‌ها رفتم و نهایتاً متوقف شدم.

قاضی محمد کشکولی خطاب به متهم گفت: چرا به سمت نیروی انتظامی رفتی؟

متهم پاسخ داد: آنها را ندیدم، چشمانم ضعیف است. مرا به پزشکی قانونی ببرید تا چشم‌هایم را معاینه کنند.

بر اساس این گزارش، در جلسه اول دادگاه که 20 اسفندماه امسال برگزار شد قاضی شهرباری معاون دادستان و سرپرست دادسرای جنایی تهران گفت: در پرونده کلاسه 961334 دادسرای امور جنایی تهران آقای محمدرضا ثلاث فرزند اسدالله متولد 1346 متهم است به ارتکاب سه فقره قتل عمدی با این اوصاف که در مورخ 30/11/96 ساعت 20 حسب تماس مرجع انتظامی مبنی بر وقوع تهاجم عمدی با خودرو اتوبوس در آدرس تهران خیابان پاسداران گلستان هفتم در ساعت 18:20 دقیقه؛ ضمن دستورات لازم جهت حفظ صحنه با توجه به مشهود بودن جرم و در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری به محل وقوع عازم و در سردخانه بیمارستان لبافی نژاد اجساد مقتولین به اسامی سرباز وظیفه رضا مرادی؛ گروهیان یکم کادر رضا امامی و گروهیان یکم کادر محمد علی بایرمی می‌باشد.

همچنین دومین جلسه رسیدگی به پرونده عامل شهادت سه نفر از ماموران نیروی انتظامی در حادثه خیابان پاسداران 21 اسفندماه سال جاری به ریاست قاضی کشکولی، اولیای دم، متهم پرونده به همراه وکیل تسخیری، نماینده حقوقی نیروی انتظامی و نماینده دادستان برگزار شد.

منبع/ فرارو

برچسب‌ها: [دراویش](#) [1]